



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران  
معاونت بررسی‌های اقتصادی

## برندگان اصلی جهانی شدن چه کشورهایی هستند؟



یکی از چالش‌های مهم در رابطه با موضوع جهانی شدن، عدم انتفاع برابر اقتصادهای جهان به‌ویژه جوامع آنها از عواید ناشی از این اتفاق است. طی ۲۶ سال گذشته پیشرفت‌های قابل توجهی در برخی از کشورها در حوزه‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حاصل شده و منجر به رشد درآمد سرانه آنها شده است ولی مشخص نیست چه میزان از این دستاوردها ناشی از جهانی شدن بوده است. این مطلب درصدد است بر اساس گزارش بنیاد آلمانی برتلزمان، به این سوال پاسخ دهد. همچنین در این مطلب اشاره‌ای به شاخص جهانی شدن انستیتو اقتصادی سوئیس و موقعیت ایران در این شاخص شده است.



## شاخص جهانی شدن انستیتو اقتصادی سوئیس

در سال ۲۰۰۶ مطالعه‌ای توسط اکسل درهر در انستیتو اقتصادی فدرال سوئیس KOF در رابطه با بررسی تاثیر جهانی شدن بر رشد اقتصادی کشورها انجام شد. در این مطالعه شاخص جدیدی تحت عنوان شاخص جهانی شدن تعریف شد که با استفاده از داده های گوناگون مربوط به ۱۲۳ کشور در فاصله سالهای ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۰، این شاخص برای کشورها تعیین و ارتباط تغییر آن با رشد اقتصادی آنها بررسی شد. نتیجه این مطالعه حاکی از تاثیر مثبت جهانی شدن بر رشد اقتصادی کشورها بود.

در سالهای بعد هم محاسبه این شاخص ادامه یافت که با تغییراتی در متدولوژی آن هم همراه بود. اصول اصلی حاکم بر این شاخص محاسبه سه بعد جهانی شدن؛ شامل جهانی شدن اقتصادی، جهانی شدن اجتماعی و جهانی شدن سیاسی با استفاده از ۴۲ متغیر است. آخرین اطلاعات مربوط به این شاخص مربوط به سال ۲۰۱۸ و بر مبنای استفاده از داده‌های سال ۲۰۱۵ کشورهای جهان است.

شاخص کلی جهانی شدن KOF برای ۱۸۵ کشور جهان از جمله ایران محاسبه شده است. بر اساس این داده‌ها، میانگین امتیاز کشورها ۶۱.۱ است که ایران با کسب امتیاز به مراتب کمتر از میانگین یعنی ۴۸.۷ رتبه ۱۴۷ام را به خود اختصاص داده است که اگرچه در مقایسه با سال ۲۰۱۷ با ۱۲ پله بهبود همراه بوده ولی در مقایسه با وضعیت سایر کشورها، همچنان فاصله معناداری با بسیاری از اقتصادهای جهان بویژه اقتصادهای نوظهور دارد. اطلاعات مربوط به ایران در رابطه با این شاخص در جدول (۱) ارائه شده است. در مقایسه با گزارش قبلی جهانی شدن KOF، ایران صرفاً در بعد اقتصادی با کاهش امتیاز مواجه بوده و در بعد اجتماعی هم علی رغم بهبود امتیاز، با تضعیف رتبه همراه بوده است. بیشترین تحول مثبت ایران مربوط به زیرشاخص بعد سیاسی، است.

جدول ۱- وضعیت ایران از منظر شاخص جهانی شدن ۲۰۱۸ بر اساس داده‌های سالهای ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵

شاخص	۲۰۱۷- امتیاز	۲۰۱۷- رتبه	۲۰۱۸- امتیاز	۲۰۱۸- رتبه	تغییر امتیاز	تغییر رتبه
شاخص جهانی شدن	۴۲.۱	۱۵۵	۴۸.۷	۱۴۳	+۶.۶	۱۲ رتبه بهبود
بعد اقتصادی	۳۱.۱	۱۵۹	۲۴.۹	۱۷۴	-۶.۲	۱۵ رتبه تضعیف
بعد اجتماعی	۳۴.۷	۱۴۲	۴۰.۹	۱۶۸	+۶.۲	۲۶ رتبه تضعیف
بعد سیاسی	۶۶.۳	۱۰۱	۸۰.۱	۵۶	+۱۳.۷	۴۵ رتبه بهبود

## منافع اقتصادی ناشی از جهانی شدن - گزارش بنیاد برتلزمان

بنیاد آلمانی برتلزمان نیز گزارشی را در رابطه با بررسی منافع حاصل از جهانی شدن در ۴۲ اقتصاد منتخب که در مجموع ۹۰ درصد از اقتصاد جهان را تشکیل می‌دهند، مشتمل بر برخی اقتصادهای توسعه یافته و در حال توسعه، تهیه و منتشر کرده است. در این گزارش با استفاده از چارچوبی مشابه گزارش جهانی شدن انستیتو KOF و با بهره برداری از برخی از متغیرهای آن، شاخص جدید جهانی شدن را معرفی کرده و سپس با بررسی رابطه تغییر این شاخص با رشد اقتصادی، در نهایت اثرات مثبت جهانی شدن بر تغییر سرانه تولید ناخالص داخلی کشورها را تعیین کرده است.



معاونت بررسی های اقتصادی

این گزارش که در مقاطع زمانی منظم تهیه و منتشر می شود به بررسی و مطالعه توسعه شبکه های بین المللی با استفاده از داده های جامع اطلاعاتی پرداخته و یک روش استاندارد مطمئنی را برای تجزیه و تحلیل سوالات رایج در رابطه با جهانی شدن ارائه می دهد.

گزارش ۲۰۱۸ در دو بخش ارائه شده است. بخش اول به آزمون میزان انتفاع ۴۲ اقتصاد مهم جهان از پدیده جهانی شدن می پردازد. در بخش دوم گزارش هم نمودارها و جداولی به تفکیک کشورهای مورد بررسی ارائه شده که روندی از تغییر شاخص جهانی شدن و همچنین برآورد منفعت اقتصادی حاصله در قالب افزایش سرانه تولید ناخالص داخلی آنها را در بر می گیرد.

این شاخص می تواند به عنوان مبنایی برای مشخص کردن نحوه تغییر درجه جهانی شدن اقتصادها در بازه ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۶ استفاده شود. همچنین با بهره گیری از روش های آنالیز رگرسیونی این امکان وجود دارد تا اثر جهانی شدن بر رشد اقتصادهای منتخب، کمی سازی شود و در نهایت کشوری که بالاترین منفعت را از جهانی شدن در قالب رشد در درآمد سرانه بدست آورده تحت عنوان قهرمان جهانی شدن، مشخص گردد.

مهمترین دستاوردهای گزارش ۲۰۱۸ جهانی شدن عبارتند از:

- بالاترین منفعت مربوط به سرانه تولید ناخالص داخلی ناشی از جهانی شدن در فاصله سالهای ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۶ توسط کشور سوئیس کسب شده و این کشور قهرمان جهانی شدن است. بعد از سوئیس، کشورهای فنلاند، ایرلند، اسرائیل و آلمان قرار می گیرند. رتبه های پایین تر به اقتصادهای نوظهور تعلق دارد. اگرچه این اقتصادها از صادرات قوی برخوردارند ولی در مقایسه با سایر اقتصادها، منفعت کمتری از جهانی شدن نصیب آنها شده است.
- اقتصادهای نوظهور بدلیل تولید اقتصادی کمتر در سال پایه، از حیث منافع مطلق حاصله از جهانی شدن، موقعیت ضعیفی دارند. زمانی که مبنای مقایسه به منافع نسبی تغییر میابد، رتبه بندی هم تغییر می کند. در این حالت منافع تجمعی عاید شده توسط اقتصاد چین یا همان سرانه تولید ناخالص داخلی از جهانی شدن در بازه ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۶ به سرانه تولید ناخالص داخلی در سال ۱۹۹۰، معادل ۵۱۸ درصد است در حالی که این رقم برای آلمان ۱۴۸ درصد و برای امریکا فقط ۳۹ درصد است.

شاخص جهانی شدن که ارتباط نزدیکی با شاخص جهانی شدن KOF دارد، جنبه های گوناگونی را مورد بررسی قرار میدهد در واقع این شاخص هم مشابه شاخص جهانی شدن انسیتیتو اقتصادی سوئیس، سه بعد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی البته با تعداد متغیر کمتری، را بررسی می کند که ضریب اهمیت بعد اقتصادی ۶۰ درصد و دو بعد دیگر هر کدام ۲۰ درصد است. در جدول (۲) اجزای شاخص جهانی شدن بنیاد برتلزمان ارائه شده است.



جدول ۲- شاخص جهانی شدن بنیاد برتلزمان و متغیرهای آن

منبع	توضیح	شاخص ها
<b>شاخص اقتصادی</b>		
<b>متغیرهای مبادلاتی</b>		
بانک جهانی ۲۰۱۷	نسبت درصد کل صادرات و واردات کالا به تولید ناخالص داخلی	تجارت کالا (درصد از GDP)
بانک جهانی ۲۰۱۷	نسبت درصد کل صادرات و واردات خدمات به تولید ناخالص داخلی	تجارت خدمات (درصد از GDP)
سازمان آکتاد ۲۰۱۷	نسبت درصد کل سرمایه گذاری مستقیم خارجی دریافت و پرداخت شده به تولید ناخالص داخلی	سرمایه گذاری مستقیم خارجی (درصد از GDP)
صندوق بین المللی پول - نظر سنجی سرمایه گذاری پرتفوی ۲۰۱۷	تراز نقدی پرتفوی سرمایه گذاری: نسبت درصد کل دارایی ها و بدهی ها به تولید ناخالص داخلی	پرتفوی سرمایه گذاری (درصد از GDP)
بانک جهانی ۲۰۱۷	نسبت درصد کل دستمزد پرداخت شده به کارکنان خارجی و بازده سرمایه به تولید ناخالص داخلی - درآمد ناشی از دارایی های نامشهود را شامل نمی شود.	پرداخت های خارجی (درصد از GDP)
<b>محدودیت های مبادلاتی</b>		
انستیتو فریزر ۲۰۱۷	بر اساس سوال مندرج در گزارش رقابت پذیری جهانی: در کشور شما تا چه میزان موانع غیر تعرفه ای توان شما را برای واردات کالا در رقابت با بازار داخلی محدود کرده است؟ ارزش های بالاتر این شاخص به معنی پایین تر بودن میانگین نرخ تعرفه است.	میانگین نرخ تعرفه
انستیتو فریزر ۲۰۱۷	متغیری بین صفر و یک است که ارقام بالاتر به معنی کمتر بودن عوارض واردات است. رقم صفر به معنی متوسط موانع غیر تعرفه ای تجاری به میزان ۵۰ درصد است.	موانع تجاری غیر تعرفه ای
بانک جهانی ۲۰۱۷	مالیات بر تجارت بین الملل شامل عوارض واردات و صادرات، سود حاصله از انحصارات، منفعت حاصل از تغییر نرخ ارز و مالیات بر عواید ناشی از آن است.	مالیات بر تجارت بین المللی (درصد از درآمد مالیاتی)
انستیتو فریزر ۲۰۱۷	شاخص مشتمل بر دو جزء با وزن یکسان است؛ ۱) متغیر مبتنی بر سوالی در گزارش رقابت پذیری جهانی؛ تا چه میزان مالکیت خارجی در کشور شما مرسوم است؟ ۲) شاخص یکپارچگی صندوق بین المللی پول شامل ۱۳ نوع کنترل سرمایه	کنترل های سرمایه
<b>شاخص اجتماعی</b>		
شاخص جهانی شدن KOF ۲۰۱۷	شامل متغیرهایی در رابطه با ارتباطات شخصی، جریان اطلاعات و مجاورت	جهانی شدن اجتماعی یکی از زیرشاخص های شاخص جهانی شدن KOF
<b>شاخص سیاسی</b>		
شاخص جهانی شدن KOF ۲۰۱۷	این زیر شاخص شامل متغیرهایی از جمله میزان نمایندگی های خارجی و تعداد معاهدات بین المللی، مشارکت در سازمانهای بین المللی و مشارکت در مأموریت های امنیتی سازمان ملل است.	جهانی شدن سیاسی یکی از زیر شاخص های شاخص جهانی شدن KOF



معاونت بررسی های اقتصادی

همان طور که در جدول (۲) مشخص شده است، بعد اقتصادی متغیرهایی مانند روابط برون مرزی در زمینه تجارت کالا و خدمات و همچنین دستمزدها و جریانات سرمایه را در بر می گیرد. در رابطه با مبادلات هم محدودیت های مبادلاتی و کنترل های سرمایه بررسی می شوند.

بعد اجتماعی متغیرهایی را از حیث نزدیکی فرهنگی و ارتباطات شخصی، شامل می شود. بعد سیاسی هم به جنبه های روابط بین المللی و مشارکت در سازمان های بین المللی توجه دارد.

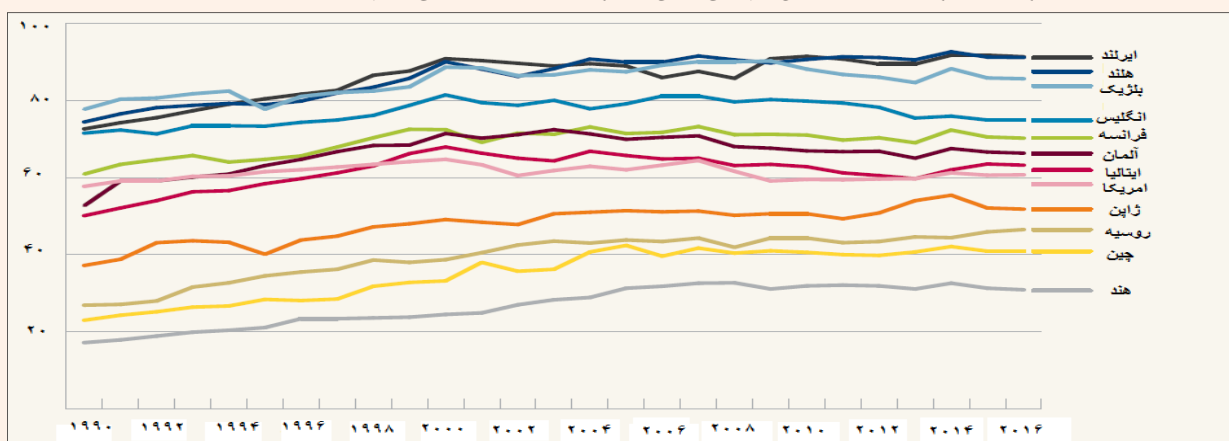
سه کشور برتر دارای بالاترین امتیاز مربوط به شاخص در گزارش جهانی شدن ۲۰۱۸، سه کشور ایرلند، هلند و بلژیک هستند که به خصوص در زمینه شاخص های اقتصادی و اجتماعی امتیازات بالاتری را کسب کرده اند.

از لحاظ بعد اقتصادی بالاترین امتیاز متعلق به کشور ایرلند، از حیث بعد اجتماعی متعلق به سوئیس و از حیث بعد سیاسی، متعلق به کشور فرانسه است. دو کشور هلند و بلژیک در رابطه با شاخص سیاسی هم امتیاز خوبی دارند. این سه کشور جزو اقتصادهایی هستند که از سطح بالای توسعه یافتگی برخوردار بوده و ضمن ارتباط خوب با سایر جهان جزو کشورهای نسبتاً کوچک اروپا هم محسوب می شوند. ده موقعیت برتر شاخص به اقتصادهای اروپایی تعلق دارد و دو کشور غیر اروپایی کانادا و استرالیا در رده های ۱۱ام و ۲۱ام قرار دارند. دو اقتصاد بزرگ امریکا و ژاپن هم به ترتیب در موقعیت ۱۲ام و ۳۳ام قرار گرفته اند.

ضعیف ترین امتیازها هم بترتیب متعلق به ۵ کشور هند، آرژانتین، برزیل، چین و مکزیک است که رتبه های ۳۸ تا ۴۲ را به خود اختصاص داده اند.

روند تغییر شاخص جهانی شدن برخی از کشورهای منتخب در نمودار (۱) نشان داده شده است. همان طور که در این نمودار مشاهده می شود تقریباً روند اکثر کشورها، صعودی است. نکته قابل توجه دیگر این است که شاخص جهانی شدن سه اقتصاد نوظهور روسیه، چین و هند در سال ۲۰۱۶ در محدوده ۳۱ تا ۴۷ قرار دارد که فاصله قابل توجهی با ارقام دو کشور ایرلند (۷۳) و هلند (۷۴) در سال پایه ۱۹۹۰ دارد. در واقع **علی رغم اینکه سرعت رشد جهانی شدن در اقتصادهای نوظهور بیشتر از سرعت رشد اقتصادهای توسعه یافته بوده ولی هنوز فاصله معناداری بین سطح جهانی شدن کشورهایمانند چین و هند با اقتصادهای پیشرفته وجود دارد.**

نمودار ۱- روند تغییر شاخص جهانی شدن کشورهای منتخب طی سالهای ۱۹۹۰-۲۰۱۶



منبع: بنیاد برتلزمان



اقتصادهای بزرگ نوظهور اغلب موقعیت‌های به سمت پایین را در رده بندی شاخص جهانی شدن دارا هستند. در نگاه اول ممکن است کمی عجیب بنظر برسد که اقتصادی مانند چین که ضربان‌ساز جهانی شدن است در رده های پایین قرار بگیرد. **در بسیاری از اقتصادهای نوظهور بازارهای مالی و سرمایه از پیوستگی و در آمیختگی کمتری در مقایسه با اقتصادهای توسعه یافته برخوردارند. مطالعات تجربی نشان می‌دهد که پیوستن اقتصادهای نوظهور به بازارهای مالی جهان کندتر از پیوستن آنها به بازارهای تجاری است.**

یکی از دلایل عنوان شده در گزارش برای قرار گرفتن اقتصادی مانند چین در رده پایین رتبه بندی، باز شدن دیرتر این اقتصادها در مقایسه با بسیاری از اقتصادهای صنعتی است. بعلاوه همچنان بسیاری از موانع ورود به بازار و تجارت در این اقتصادها وجود دارد که مانع از کسب امتیاز بالاتر توسط آنها شده است.

بعلاوه باید توجه داشت که استاندارد کردن متغیرهای مربوط به مبادلات در زیرشاخص اقتصادی از طریق تعدیل بر اساس اندازه اقتصاد، باعث ظهور موقعیت بدتری برای کشورهای بزرگتر می شود. از منظر ارقام مطلق به عنوان مثال کشور چین، قهرمان صادرات است ولی در مقایسه با اندازه این اقتصاد، بدترین موقعیت را از لحاظ شاخص‌های تجاری داراست. در حوزه مربوط به محدودیت‌های تجاری، کشور چین وضعیت خوبی ندارد و همین وضعیت بر ارزش کل شاخص جهانی شدن آن اثر منفی می گذارد. محدودیت‌های بازار سرمایه در چین زیاد است و در مقایسه با سایر کشورهای توسعه یافته از تعرفه واردات بالایی برخوردار است. برای دومین اقتصاد بزرگ جهانی، امتیازات مربوط به پرتفولیوی سرمایه گذاری معادل ۷ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور است که در رتبه ۴۲ام قرار می گیرد. جذب سرمایه گذاری خارجی چین هم ۲۳ درصد GDP آن است که در رتبه ۴۱ام قرار گرفته و در زمینه تجارت خدمات هم که امتیاز ۶ درصد GDP را کسب کرده در رتبه ۴۰ام کشورهای منتخب قرار گرفته است. در حوزه تجارت هم چین بدلیل دارا بودن صادراتی معادل ۳۱ درصد GDP در رتبه ۳۸ام قرار دارد این در حالی است که از حیث ارقام مطلق با ارزش تجارت ۳.۵ تریلیون دلاری بعد از امریکا، دومین رتبه جهانی را داراست.

در رابطه با تفاوت بین اقتصادهای توسعه یافته نیز مواردی مانند آلمان و جمهوری چک وجود دارد. از حیث ارقام مطلق، ارزش کل تجارت آلمان در سال ۲۰۱۶ بالغ بر ۲.۳ تریلیون یورو بوده که تقریباً ۹ برابر رقم مشابه جمهوری چک است. ولی در رابطه با ارقام نسبی، نسبت تجارت به تولید ناخالص داخلی جمهوری چک ۱۳۱ درصد است در حالی که این رقم برای کشور آلمان ۶۸ درصد است.

عقب نشینی از جهانی شدن و روی آوردن به فضاهاى ملی در حال رواج است به خصوص در کشورهای صنعتی. نتایج انتخابات در میان شهروندان واشنگتن و برلین به خوبی نگرانی مردم را از پیامدهای منفی جهانی شدن نشان می دهد. با این حال **گزارش جهانی شدن ۲۰۱۸ نشان می دهد که برندگان واقعی جهانی شدن کشورهای هستند که انتقاد از جهانی شدن در آنجا بلندتر است یعنی کشورهای صنعتی.** این در حالی است که مردم اقتصادهای صنعتی بیشترین منافع را از رشد جهانی شدن کسب کرده اند. نقطه آغاز محاسبه منافع حاصل از جهانی شدن بر اساس استفاده از شاخص جهانی شدن، استوار است. در این گزارش امتیازات بالا توسط اقتصادهای صنعتی و امتیازات کمتر توسط اقتصادهای نوظهوری از جمله چین و هند کسب شده است.

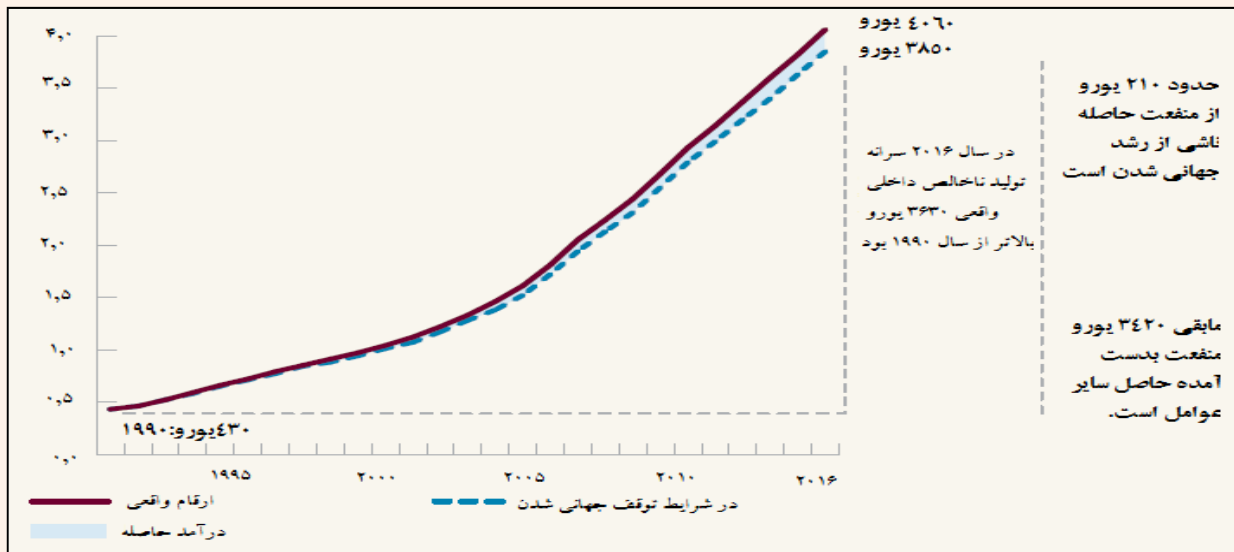


معاونت بررسی های اقتصادی

بر اساس این مطالعه در نتیجه جهانی شدن در بازه زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۶، بطور میانگین، سرانه تولید ناخالص داخلی واقعی حدود یک تریلیون یورو در ۴۲ کشور مورد بررسی افزایش یافته است. در همه اقتصادهای مورد بررسی، رشد سرانه واقعی GDP طی بازه ۱۹۹۰ الی ۲۰۱۶ مثبت بوده است. اگرچه ممکن است تفاوت‌هایی در برخی کشورها وجود داشته باشد. کشور سوئیس بیشترین منفعت سالانه را در رابطه با سرانه GDP از رشد جهانی شدن به میزان ۱۹۱۳ یورو در فاصله سالهای ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۶ کسب کرده است. این رقم برای کشور هند حدود ۲۲ یورو و برای چین ۷۹ یورو در سال است. نمودارهای (۲) و (۳) روند تغییر سرانه GDP را برای دو کشور چین و سوئیس نشان می‌دهد.

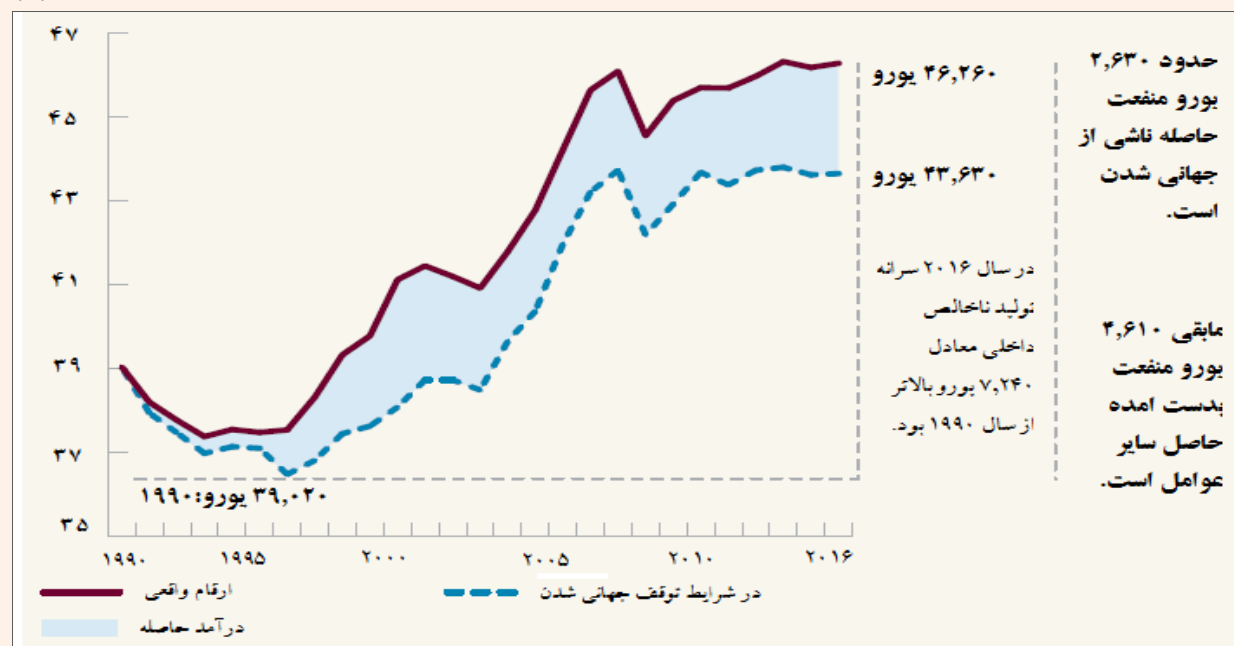
نمودار ۲- روند تغییر سرانه تولید ناخالص داخلی واقعی چین در دو حالت با و بدون رشد جهانی شدن

هزار یورو



نمودار ۳- روند تغییر سرانه تولید ناخالص داخلی واقعی سوئیس در دو حالت با و بدون رشد جهانی شدن

هزار یورو





معاونت بررسی های اقتصادی

طبق نمودار (۲)، سرانه تولید ناخالص داخلی چین از رقم ۴۳۰ یورو در سال ۱۹۹۰ به ۴۰۶۰ یورو در سال ۲۰۱۶ رسیده است که تقریباً ده برابر شده است. طبق گزارش جهانی شدن، در سال ۲۰۱۶ سرانه واقعی GDP چین ۳۶۳۰ یورو بیشتر از رقم مشابه در سال ۱۹۹۰ آن بوده است. ۲۱۰ یورو از رقم ۳۶۳۰ یورو منفعت حاصله مربوط به افزایش جهانی شدن کشور چین و مابقی آن ناشی از سایر عوامل بوده است.

در مقابل کشور سوئیس (نمودار (۳))، سرانه تولید ناخالص داخلی از رقم ۳۹۰۲۰ یورو در سال ۱۹۹۰ به ۴۶۲۶۰ یورو در سال ۲۰۱۶ رسیده است که تقریباً ده برابر شده است. طبق گزارش جهانی شدن، در سال ۲۰۱۶ سرانه واقعی GDP چین ۷۲۴۰ یورو بیشتر از رقم مشابه در سال ۱۹۹۰ آن بوده است. ۲۶۳۰ یورو از رقم ۷۲۴۰ یورو منفعت حاصله مربوط به افزایش جهانی شدن کشور سوئیس و مابقی آن ناشی از سایر عوامل بوده است.

دلیل اصلی که برای تفاوت معنادار رتبه چین در مقایسه با سایر اقتصادها عنوان شده، پایین بودن سطح سرانه GDP این کشور در دهه اول شروع بازه مورد بررسی یعنی ۱۹۹۰ است که در کل بازه، منافع مطلق کمتری نسبت به کشورهای صنعتی کسب کرده است.

یکی از مسائل بنیادی در رابطه با جهانی شدن، توزیع نابرابر منافع آن در بین کشورهای صنعتی و نوظهور و حتی در بین ایالتها و استانهای آنهاست. کشورهای صنعتی همواره عملکرد اقتصادی بهتری داشته اند و برای این کشورها منافع مطلق جهانی شدن بطور قابل توجهی بالاتر بوده لذا رسیدن به سطح این کشورها برای اقتصادهای نوظهور دشوار است.

روشن است که جهانی شدن می تواند دستاوردهای رفاهی را خلق کند. طبق نظر کارشناسان بنیاد برتلزمان حمایت گرای می مسیر درستی قرار ندارد. می باید جهانی شدن در چارچوبی با تمرکز بر مردم قرار بگیرد. این تنها روشی است که می تواند به وعده موفقیت آمیز بودن فعالیت های انجام شده در راستای افزایش جهانی شدن جامه عمل بپوشاند.

از جمله توصیه هایی که برای کاهش نابرابری مزبور توسط کارشناسان بنیاد برتلزمان ارائه می شود می توان به توسعه استفاده از روش های استاندارد و قواعد بین المللی از جمله سازمان تجارت جهانی برای جلوگیری از اعمال نفوذ کشورهای پر قدرت ضمن بازتر کردن اقتصادهای نوظهور و کاهش یارانه ها در اقتصادهای جهان، اشاره نمود.

در اقتصادهای صنعتی نیاز است تا ضمن روشن تر کردن منافع مشهود جهانی شدن، از توزیع این منافع در بین کل شهروندان اطمینان حاصل شود. بر اساس نتایج حاصل از گزارش، جهانی شدن منافع قابل توجهی را برای اقتصادها در بر داشته که لازم است آگاهی مردم بویژه جامعه اقتصادهای صنعتی نسبت به این موضوع ارتقاء یابد و به این موضوع توجه شود که پیوسته شدن به اقتصاد جهانی در صورتی که بر اساس پای بندی به قواعد و استانداردها باشد، بدون تردید منافی را برای اقتصادها به ارمغان می آورد.

شایان ذکر است در گزارش بنیاد برتلزمان برای تعیین اثر جهانی شدن بر افزایش سرانه تولید ناخالص داخلی از روش رگرسیون استفاده شده است. در این روش در صورت افزایش یک واحدی شاخص جهانی شدن، افزایش سرانه GDP ناشی از جهانی شدن را معادل  $\beta$  واحد درصد در نظر گرفته است. اگر رشد اقتصادی ۲.۵ درصد باشد اثر جهانی شدن یعنی  $\beta$  معادل ۰.۲ واحد درصد است به عبارتی در این حالت، افزایش یک واحدی شاخص جهانی شدن منتهی به افزایش رشد اقتصادی از ۲.۵ به ۲.۷ درصد می گردد.